

تبسم

موج لب آمیخته با گوهر ، تبسم
شکر ریز است شیرین زشکر تبسم
معجزه است کز جلوه برپا می کند
صور قیامت، شور محشر، تبسم
خاطر بی حال من ازو جان گرفت
پور سینا است یا عیسی پیغمبر، تبسم
از رنگ سرخ لب آتش به جان ها زده
آتش فشان دل است یا مجمر، تبسم
ساقی خمخانه الست در حیرت افتاد
امشب شوریکه افگند در ساغر، تبسم
قدح در دست، مستان دیر آمد به رقص
تا خیمه زد در سایه سنبل تر، تبسم
صبحدم گر یار بماند در آغوش وصل
از شبم ما می فروزد شرر ، تبسم
شامگاهیکه شفق از خنده دامن کشود
خون خورشید را داده هدر تبسم
از ناوک نگاه، صبر است آماج تیر
شب تار را می سازد سحر تبسم
عشوه و ناز کمند افگند به تسخیر دل
شور بر پاست تا بشکند این گزرتبسم

از توفان سرخ ناسوتی کابل زمین
شور افتید در لاهوت و قمر، تبسم
ملکوت آسمان بر زجه و ناله نشست
تا از خون آزین بست در بیکر تبسم
ینبۀ گلویش را آهسته کنید باز
هنوز نه خشکیده خون تر تبسم
از گلوی بریده بر رگ گل در چمن
قمری و قناری نشست نوحه گر تبسم
جلاد را خصلت اثر است در نهاد
نیست باکش گر کباب شود صد جگر، تبسم
شیشه بشکستن کار نامردان بود
پیش ایزکان ندارد سمر تبسم
از خون نازکت حماسه ها شد پدید
کاخ ستم ریخت از لرز و خطر تبسم
پشتون، تاجیک، هزاره جمله اقوام وطن
اتفاق بی مثال را گشت محور تبسم
برج عقرب را 20 شد " روز اتفاق"
عدو را زخم کاری خورد در جگر، تبسم
هدهد سلیمانی و مشهور عالم
قتل تو نفرینست بر ستمگر تبسم
گنه ات بی گناهیست ای فرشته ای قدس
بر مشهدت جاریست نور مقدر، تبسم
فروغ اختیار دل داده به لبخند

نشئه صد خم ریخت در ساغر، تبسم

م.ش. فروغ کابل 2015/11/13

توضیح : شعر تبسم قبلاً سروده شده است . بابر داشت اندوه گین از حماسه روز 20 عقرب که من آنرا

"روز اتفاق" نامیده ام (چند) بیت دیگر در بخش دوم با علامت خط افقی بران افزوده شد لذا با

تعریف و خصلت که قالب غزل دارد محتوا متنوع است.-- سمر اشاره به معنی دوم و یکی از

اشخاص مسؤل است . تبسم مخصوصاً در بخش دوم عبارت است از (شکریه تبسم) شهید تیغ

ستمگران تاریخ .

-

—

